

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی-کابل

۱۰ جنوری ۲۰۲۰

ارسال پیام به "فاطمیون" با کشتن "ملا ننگیالی"؟!

پنجشنبه- ۱۹ جدی ۱۳۹۸- کابل: احتمالاً شما هم از طریق رسانه ها مطلع شده اید که شب گذشته، باداران "غنی احمدزی" و مجموع دولت دست نشانده، دست به جنایت آشکار دیگری زده، ضمن نابود ساختن یک تن از ملیشه های خون آشام و بدنام خودشان، به نام "ملا ننگیالی" که با بریدن از طالب و پیوستن به صف دولت دست نشانده و با برخورداری کامل از حمایت نیروهای امنیتی و اشغالگران در ولسوالی شیندند و بقیه قسمت های ولایت هرات و فراه حتا هلمند، به نفع دولت دست نشانده و اشغالگران توده های مظلوم را زیر نام طالب سر می برید؛ ۴۰ تن از افراد بی گناه غیر نظامی را مقتول و بیش از ده ها تن دیگر را مجروح نمودند. در یادداشت امروز توجه شما را به ابعاد مختلف این قتل عام بی گناهان جلب می نمایم:

از دید من قضیه در کل دارای دو وجه می باشد: (سیاسی-امنیتی) و (جنایت جنگی و نقض حقوق بشر)

۱- وجه سیاسی- امنیتی:

نخستین مسأله ای که در این جنایت علیه مردم عادی حین عملیات علیه "ملا ننگیالی" جلب توجه می نماید، چرائی آن است. زیرا:

الف: "ملا ننگیالی" نه آدم مخفی بود و نه هم فراری. فردی بود در روابط مستقیم با دولت دست نشانده، ضمن گرفتن معاش، تمام مواد مورد ضرورتش اعم از سلاح و مهمات تا پول و غذا به وسیله دولت دست نشانده اكمال می گردید. در شهر هرات رفت و آمد آزاد داشت. حتا در به اصطلاح افتضاح انتخابات در جمع آنهاهی بود که برای "غنی احمدزی" رأی جمع می نمودند.

حال فردی با چنین مشخصاتی، هرگاه مورد تعقیب نیروهای امنیتی نیز قرار می گرفت، نه لزوم به عملیات شبانه و پرواز درون بود و نه هم به قتل رسانیدن توده های بی خبر از همه جا. در صورتی که دولت دست نشانده می خواست وی را دستگیر نماید، می توانست یکی از روز ها که به هرات آمده بود و یا می آمد، بدون آن که آب از آب تکان بخورد وی را دستگیر نماید.

در واقع این همان جهت قضیه است که مقامات امنیتی ولایت هرات را نیز گیج ساخته، آنها از یک اشتباه دم می زنند.

ب: ظرف یک هفته این دومین موردیست که یک تن از سرسپردگان و وابستگان حاکمیت، یکی در شهر کابل (آمر ستار) به وسیله "گروه مرگ" امنیت ضد ملی و دیگری در شیندند، به وسیله نیروهای اشغالگر به قتل می رسند. آیا کدام رابطه ای بین این دوکشتار وجود دارد و یا خیر؟ آیا "غنی احمدزی" شخصاً خواسته است تا کشتن جنگسالاران را از نزدیکان خود شروع کند و یا مخالفان "غنی احمدزی" با طرح و عملی ساختن توطئه های پیچیده، دست به چنین تصفیه هائی می زنند تا اگر احیاناً بالماسکه انتخابات به دور دوم رفت، دست و پای "غنی احمدزی" را قطع نموده باشند؟ نکند این یکی از پیش شرط های طالب باشد که قبل از امضای پیمان صلح با اشغالگران امریکائی، از آنها خواسته باشد تا به مثابه پیش شرط و نمایش حسن نیت، مخالفان مسلح آنها را به قتل برسانند؟ این نکته وقتی اهمیت جدی پیدا می نماید که بدانیم هردو مقتول از دشمنان سرسخت طالب به شمار می رفتند.

پ- آیا کشتن "ملا ننگیالی" که به جز یکی دو روز سرو صدا، دیگر پی آمدی جدی برای دولت دست نشانده و اشغالگران به بار نخواهد آورد، ارسال پیام به "لشکر فاطمیون" است تا آنها به خصوص رهبران علنی و شناخته شده شان را متوجه سازد که حد خود را شناخته، به فکر هیچ نوع رویارویی مخفی ویا علنی با اشغالگران نباشند و رنه هریک را در خوابگاه ها و در کنار همسران و کودکان شان با آنها یک جای به قتل خواهند رساند؟

بدر نظر داشت این که خلاف انتظار ساده لوحان سیاسی، تا حال "لشکر فاطمیون" نه تنها کدام تظاهرات و یا اعتراضی به مناسبت کشته شدن یک تن از جلاان نظام ولایت فقیه "قاسم سلیمانی" توسط امریکائی ها انجام نداده اند، حتا در سطح "غمشریکی" در کدام مسجد نه فاتحه گرفته اند و نه هم ختم قرآنی نموده اند، واضح است که دولت دست نشانده و اشغالگران می بایست معنای این سکوت را دانسته باشند و به این نکته پی برده اند، که "لشکر فاطمیون"، سازمانیافته عمل می کند در غیر آن احتمال این که کسانی از آنها خود را نشان دهند، منتفی نبود.

آیا دولت دست نشانده و اشغالگران با درک چنین وضعیتی با کشتن دوستان خود شان به آنها پیام فرستاده است، تا متوجه کردار شان در آینده باشند؟

ادامه دارد